فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام
شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره چهارم (پاییز ۱۳۹۹)

شناخت فاکتورهای موثر تربیتی و آموزشی در افزایش مهارت نوشتن

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۰۸/۲۰)

حامد حیدری سراب بادیه

چکیده

انسان با نوشتن باعث می‌شود که کلمات بر روی کاغذ نقش بگیرند و جاودانه شوند و چشمان آدمی را بار دیگر وادار به تحریک کنند و به دنبال آن ، نگاه‌ها به حرکت در می‌آیند و چرخه‌ای از نگاه ها ـ سکوت ـ تفکر و نوشتن شکل بگیرند . اگر انسان بخواهد به افکار نو برسد باید بنویسد و لحظاتی از عمر خویش را (چه روز و چه شب) به نوشتن اختصاص دهد. او با نوشتن ، درست فکر می‌کند و با ظهور افکار جدید، چرخی را به حرکت وا می‌دارد که انتهایش رسیدن به کلمات جدید است انسان با نوشتن تلاش می‌کندبا خود صحبت کند. زمانی را که آدمی صادقانه با خود شروع به صحبت کردن می‌کند و ارتباطی با درون خود بر قرار می‌کند، سبب بیداری درونش می‌شود. تکامل بشر از طریق کشف و ثبت تجربیات صورت پذیرفته است. زمانی که انسان با نوشتن به افکار خویش وسعت می‌دهد این اقدام زمینه ساز جهت وجود دیگری در انسان می‌شود. در چرخه نگاه ـ سکوت ـ تفکر محصول زیبایی بنام هنر نوشتن نهفته است . نوشتن می‌تواند زمینه ساز شکوفایی افکار نو در انسان شود.

واژگان کلیدی: مهارت نوشتن، آموزش، نگارش، توانایی نویسندگی، خلاقیت

بخش اول: انگیزه عاملی جهت تحقق خلاقیت نوشتاری

برخی صاحب نظران لازمه پیشرفت در زندگی را ، انگیزه‌ی یادگیری معرفی کرده اند که این خود به نظر اشتباه می‌رسد می‌توان گفت لازمه یاد گیری انگیزه یاد گیری است چرا که در کسی که انگیزه یاد گیری وجود نداشته باشد یاد گیری صورت نمی‌پذیرد بنابراین برانگیختگی برای مواجه شدن با زندگی ومشکلات آن اساسی و برای یادگیری ضروری است. «افراد انسان نه فقط از لحاظ توانایی انجام کار بلکه از لحاظ میل یا اراده انجام کار یا انگیزش تفاوت دارد . انگیزش افراد به نیروی انگیزه های آنها بستگی دارد . انگیزه ها را گاهی به عنوان نیازها، تمایلات ، سائقه‌ها یا محرکات درونی فرد تعریف می کنند .انگیزه ها یی که به سوی هدف ها معطوف می شوند ممکن است آگاه هانه یا نا خودآگاه باشند . انگیزه‌ها چراهای رفتار هستند . آنها موجب آغاز وادامه فعالیت می شوند وجهت کلی رفتار یک فرد را معین می کنند .انگیزه ها یا نیازها ماهیتاً دلایل اصلی عمل به شمار می روند» (هرسی و بلانچارد ، ۱۹۳۰ ، ص ۱۸) انگیزه ها یا نیازها[1] ، دلایل اساسی رفتار به شمار می روند . هر فردی صدها نیاز دارد. همه‌ی این نیازها در شکل دادن به رفتار او رقابت می کنند . پس ، چه عاملی موجب می شود که شخص از میان این نیاز ها ، یکی از طریق فعالیت ارضا کند ؟ نیازی که بیشترین قدر ت را دارد در لحظه خاصی از زمان موجب فعالیت می گردد .نیازهای ارضا شده قدرتشان کاهش می یابد وطبعاً افراد را برنمی انگیزند تابرای ارضا آنها هدف هایی را جستجو کنند (هرسی و بلانچارد ، ۱۹۳۰ ، ص ۱۹) از آنجا که نیازها دائماً در حال تغییر وتمایلات ومحرکات درونی ساعت به ساعت رنگ های مختلف به خود می گیرند در آموزش نوشتن خلاق نیز باید هوشیار بود که نیازهای این حیطه به طرق مختلف وانحاء گوناگون در درون افراد پروراند ، تانیازها به حد ارضا نرسند . چراکه رسیدن به ارضا یعنی دست کشیدن از کار که آن هم تثبیت یا تسلیم را به همراه دارد .ایستایی در مهارت یا تسلیم افکار گذشته خود شدن یعنی رکود ، رخوت وبالاخره مرگ روان. یک نیاز تأمین نشده موجب ایجاد تنش می شود که آن نیز هم خود در فرد پویایی به وجود می‌آورد و او را به جهتی سوق می دهد . این پویش موجب جستجو برای هدف خاصی می‌شود که اگر آن هدف تأ مین شود می تواند آن نیاز را تأمین کند و باعث کاهش تنش شود» (ص

[1] -needs

۲۸) .کریمی (۱۳۸۳) بعد از تفکر واگرا یکی از عواملی را که برای خلاقیت معرفی می کند انگیزش و پشتکار است.گرچه به نظر می رسد تأکید بر تفکر واگرا این تفکر را این گونه می نمایاند که انسانهایی با تفکر همگرا از داشتن خلاقیت محرومند . لازم به ذکر است که شاید انگیزه انجام عمل در درون گرایان بیشتر باشد اما محروم دانستن همگرایان از انجام عمل خلاقانه درواقع بی انصافی است. آمابلی (۱۹۸۹) انگیزه را این گونه تعریف می کند : «شور و هیجان و همان انگیزه درونی برای انجام کاری بخاطر خود آن کاراست . انگیزه انجام کاری که جالب ، لذت بخش ورضایت بخش بوده ویا جنبه مبارزه طلبی شخصی داشته باشد این انگیزه از درون می‌آید در حالی که انگیزه برونی از خارج می‌آید وقتی مردم کاری را به خاطر رسیدن هدفی که جزئی از خود آن کار نیست انجام می دهند دارای انگیزه خارجی هستند مانند امرار معاش ، بردن جایزه، به دست آوردن تأیید مثبت، اجتناب از مجازات ، روبرو شدن بایک بن بست ، انجام دستورات شخصی دیگر یا بدست آوردن ارزیابی رضایت بخش . اگر والدین ومربیان بتوانند اصل انگیزه درونی خلاقیت را درک نموده آن رابکار برند آغاز بسیار خوبی برای تشویق خلاقیت در کودکان خواهد بود مردم هنگامی بصورت خلاق ترین افراد جلوه می نمایند که در اصل بوسیله علاقه ، تفریح ، رضایت ومبارزه طلبی آن کار برانگیخته شده باشدو... نه آنکه تحت فشارهای خارجی قرار گیرند» (صص ۷۰ ـ ۶۹) .

انسانهای خلاق ازاراده آهنین وتلاش شگرف برای کشف تمامی روشهای ممکن ـ حتی بعد ازاینکه راهی مطمئن وقطعی پیدا شده – برخوردار ند .

از اینشتین[1] پرسیدند فرق تو با یک فرد معمولی (متوسط) چیست ؟ او گفت اگر از یک فرد معمولی بخواهید سوزنی را درانبار کاه بیابد ، اوبا اولین سوزنی که می یابد کار را پایان می دهد وزحمت جستجوی کل انبار کاه برای یافتن تمامی سوزنهای ممکن را به خود نمی دهد. اما من تمام انبار را می گردم تا همه سوزنهای ممکن را پیدا کنم .

امینی (۱۳۸۳) در مقاله ای پیرامون ایجاد انگیزه نوشتن اینگونه ابراز می دارد : کودک باید بخواهد تا بتواند بنویسد. موظف کردن اوبه نوشتن نتیجه خوبی نخواهد داشت تقویت انگیزه های درونی کودک برای نوشتن ، ازراه‌های متفاوت میسر است. زمانی که

[1]- Einstein

کودک را با احساسات درونی خودش مواجه می کنید ، تجربیات شخصی اورامقابل رویش می گذارید واز او می خواهید در باره خودش حرف بزند، اورا به نکاتی متوجه کرده ا ید که می توانند موضوع نوشته وی باشند ودر حین حال ، اعتماد به نفس اورا افزایش داده‌اید.

ایجاد اعتماد به نفس در کودک ، خود به خود ترس وی را از نوشتن ازمیان برمی دارد . معلم می تواند ، بدون آنکه به کودکان بگوید بنویسید ، جلسات اول را به شنیدن بیان شفاهی آنان در کلاس اختصاص دهد . دیده ها وشنیده های کودکان، آنچه که آنها حس می کنند وتخیلاتشان و خوابهایی که دیده اند ، اسباب بازیهایشان، بازیهایی که دوست دارند وهمهی آنچه که مستقیماً به زندگی کودکان گره می خورد، می‌توانند موضوع گفتگو در کلاس باشند . به آنها بگویید ، نوشتن می تواند به سادگی مثل حرف زدن اتفاق افتد . به این ترتیب ،علاوه براینکه معلم درباره موضوع مورد علاقه کلاس گفتگو کرده وذهن آنهارامتوجه علاقه‌های شخصی شان نموده ، عملاً به آنها نشان داده است که فاصله بین فکر و دست به سادگی می‌تواند ازمیان برداشته شود ، یعنی اندیشه‌ها ، بی‌واسطه می توانند به نوشتن تبدیل شوند.

با ایجاد فرصت برای گفت وگوی کودکان با معلم یا با یکدیگر ، ساز و کار (مکانیزم) نوشتن آغاز می‌شود وشکل می گیرد . نوشتن فقط مرحله پایانی این ساز وکار[1] ونمود رفتاری آن است ومی تواند زمان بسیار کوتاهی را به خود اختصاص دهد .معلم با گفتن این جملات به دانش آموزکه: «آنچه تو می اندیشی ، آنچه تو حس می کنی ، آنچه تو از محیط اطراف دریافت می کنی» اورا به احساسات ، عواطف و تجربیات شخصی‌اش بازگشت می دهد .

بخش دوم: نقش آموزش در پرورش نوشتن خلاق

عالمان تعلیم و تربیت[2] بر این نکته اذعان دارند که خلاقیت هم قابل آموزش و هم قابل انتقال است . میکالکو[1] (به نقل از میرزا امینی ۱۳۸۳) با مثالی زیبا قابل آموزش بودن خلاقیت رابیان می‌کند:

---

[1]- mechanism

[2] - education

«نوابغ خلاق ، می‌دانند که چگونه از راه‌بردهای[۲] فکری استفاده کنند و به دیگران بیاموزند .

جامعه‌شناس معروف هریت زوکرمن متوجه شد که شش نفر از شاگردان انریکوفرمی (برنده‌ی جایزه‌ی نوبل) همانند خود او موفق به دریافت جایزه شدند . ارنست لاورنس[۳] و نیلزبوهر[۴] نیز هر یک چهار شاگرد برنده‌ی جایزه‌ی نوبل داشتند. جی‌جی تامسون[۵] و ارنست رادرفورد نیز مشترکاً هفده برنده‌ی جایزه نوبل را تربیت نمودند . این برندگان نوبل تنها نابغه نبودند بلکه قادر بودند نبوغ را به دیگران نیز بیاموزانند .

بررسی‌های زوکرمن نشان می‌دهد تأثیرگذارترین برندگان ، علاوه بر محتوای فکری ، الگوها و راه‌بردهای تفکر را نیز آموزش می‌دادند . بنابراین واضح است که راه‌بردهای فکری می‌توان آموزش داد و آموخت .»

اسبورن (۱۹۶۶) قابل آموزش بودن خلاقیت اینگونه شرح داده است : «نتیجه بخش بودن تدریس خلاقیت به طور علمی از طریق یک پروژه‌ی تحقیقاتی در دانشگاه بافالو به وسیله‌ی دکتر آرنولدمد[۶] و دکتر سیدنی پارنز مورد ارزیابی قرار گرفته است . بدین ترتیب که دانشجویانی که در دوره‌های دانشگاهی در حل خلاق مسائل را گذرانیده‌اند با دانشجویان مشابه که چنین دوره‌ای نگذرانده بودند مورد مقایسه قرار گرفتند . نتایج به نحو روشنی تأیید می‌کند که استعداد خلاقیت به نحو قابل توجهی با گذراندن یک دوره‌ی یک ترمی دانشگاهی در حل خلاق مسائل ارتقاء می‌یابد . مهمترین آزمایش این دوره نشان داده است آنان که دوره‌ی مزبور را گذرانده بودند در خلق ایده‌های ابداعی ۹۴٪ بهتر از آنان که این دوره نگذرانده بودند قادر به خلاقیت بودند» (صص ۴۶ و ۴۵) .

---

[1] - Machalko

2 - stratagies

[3] -Ernst , Lawrence

[4] - Bohr,N

5 - G.G.Tamson

[6] -Arnold, Mode

آموزش می‌تواند به بهبود کارکرد فرد در مقیاس‌های استاندارد و خلاقیت منجر شود اما هنوز نمی‌دانیم که چنین تجربه‌ای چگونه می‌تواند به فعالیتی که مردم آن را ـ خلاقیت ـ می‌نامند منجر شود (سولسو ، ۱۹۳۳ ، ص ۶۰۴)

بزرگان و فلاسفه‌ی جهان اسلام نیز بر ضرورت آموزش تأکید داشته و معتقدند آموزش باید با ذوق و قریحه‌ی فرد مطابقت داشته باشد . اگر چه ایشان از آموزش خلاقیت حرفی به میان نیاورده‌اند اما آنان معتقدند که در اواخر دوره‌ی کودکی ، کودک پس از فرا گرفتن دانش‌های مقدماتی باید به فراگیری صناعت و هنر بپردازد. نکته‌ی جالب آن که اکثراً به تفاوت فردی اطفال معتقدند ولی یادگیری را سهم همه‌ی کودکان می‌دانند . ابن سینا می‌فرماید : «استادی که می خواهد صناعت بیاموزاند ، باید بداند که هر صنعتی را نمی‌توان به هر شاگرد تعلیم کرد ؛ بلکه هر کدام از شاگردان ذوق و شایستگی آموختن و فراگرفتن صناعت مخصوص را دارد . باید به هرکس مناسب ذوق و استعدادش صناعت آموخت وگرنه تعلیم و تربیت نتیجه‌ی مطلوب را نمی‌دهد . دلیل دیگر آن است که آموختن برخی از آداب برای قومی آسان و برای دیگری دشوار است. لذا می‌بینی بعضی از مردم پی بلاغت می‌روند و برخی پی نحو و بعضی شعر و دیگری پی خطابه ، هرکس رشته‌ی مناسب ذوق خود را تعقیب می‌کند و هم چنین وقتی از رشته‌های مختلف زبان خارج شده به رشته‌های دیگر نظر می‌کنی می‌بینی یکی علم طب را اختیار می‌کند و دیگری هندسه را و همین طور طبقات مختلف مردم ، هر طبقه‌ای رشته‌ی مخصوص را اختیار و تعقیب می‌نماید» (عطاران ، ۱۳۷۵ ، صص ۱۱۲ ـ ۱۱۱) .

مردانی نوکنده (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به زیبایی اهمیت امر آموزش ابتکار عمل و خلاقیت را روشن می‌سازد :

اصولاً انسان موجودی است که تحت تأثیر آموزش و تربیت قرار می‌گیرد و اندیشه و تفکری وجود ندارد که قابل انتقال نباشد و آموزش گیرنده بعد از مدت کوتاهی تحت تأثیر تعلیمات آموزش دهنده قرار می‌گیرد . بنابراین اگر ما خواهان داشتن دانش‌آموزانی خلاق و مبتکر می‌باشیم باید اصول ابتکار و خلاقیت را به صورت منسجم و هدف‌دار به دانش‌آموزان آموزش داده تا خلاقیت در دانش‌آموزان نهادینه و پایدار گردد» .

بخش سوم: نقش تکرار و تمرین نوشتن بر نوشتن خلاق

دوستی دوکلمه تکرار وتمرین درانجام هرگونه مهارتی نوید تسکین وانگیزش می دهد.آدمی با انجام کار تکراری ومنظم به مغزش نیرو می دهد و با تمرین ، میدان نگاه خلاقش راوسعت می‌بخشد.تفاوت لغوی ومعنوی دو کلمه تکراروتمرین هیچگاه نتوانسته به جدایی این دو بینجامد. «دوش گرفتن ، شنا کردن ، زمین شستن ، ریش تراشیدن ، رانندگی واموری ازاین قبیل ، تماماً کارهایی منظم وتکراری‌اند که می توانندمارا از مغز منطقی مان بسوی مغز خلاقمان رهنمون شوند . چه بسابه هنگام ظرفشویی یارانندگی ، راه‌حل‌های مسائلی که به ذهنمان چسبیده بودند پدیدارشوند» (کامرون ، ۱۹۹۲ ، ص ۴۲ ـ ۴۱) .

تکرار و تمرین نوشتن به گنجینه لغات و انبان دانش می‌افزاید.نویسنده در تکرار نوشتن از تکرار لغت درحد امکان پرهیزمی کند بالاجبار به دنبال یافتن لغت معادل می‌گردد تکرارِ تکرار را ، نازیبا می‌بیند باز هم دست به ابتکار می‌زند و آن هم به افزایش گنجینه لغات می‌انجامد.درتمرین نوشتن ، نویسنده نه تنها دست به قلم می برد بلکه در ذهن خود بارها و بارها مطلب راحلاجی می‌کند پرورش می دهد و بالاخره می آفریند و وجود خود راتسکین می‌دهد.

اسبورن (۱۹۶۶) در این خصوص عنوان می کند : «بانویسندگی می توان به نحو بارزی قدرت تصور را پرورش داد . آزمایش‌های علمی روان بودن در نویسندگی را به عنوان یک شاخص اساسی استعداد خلاقیت ارزیابی نموده است . بعضی متخصصین خلاقیت ، تأکید دارند که تمرین نویسندگی جزء لایتجزای هر کوشش واقعی برای بهره‌وری مغزی است.

لازم نیست که ما نویسنده به دنیا بیاییم تا نویسنده شویم. هر نویسنده ای روزی آما تور بوده است. ماتیوآرنولد[1] نویسنده ومنتقد انگلیسی قرن نوزدهم ، که روزی یک بازرس مدارس بود ، ناگهان خود را به عنوان یک نویسنده غرق درشهرت یافت . آنتونی هوپ بدواً

[1] - Arnold, Matiwe

یک وکیل دعاوی موسوم به هاکینز بود . ژوزف کنراد[1] قبل ازآن‌که به عنوان یک رمان نویس ، مشهور گردد شانزده سال به دریا نوردی مشغول بود. ای ـ جی ـ کرونین[2] ، رمان نویس انگلیسی ونیز اولیور وندل هلمز ، نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم پزشک بودند . چارلز لمب نویسنده ومنتقد انگلیسی که درقرن هجدهم و اوایل قرن نوزهم می زیست مدتها به عنوان یک منشی کار می‌کرد و نویسندگی را به عنوان سرگرمی ورفع ملالت شروع نمود» (ص ۴۴) .

لازمه نویسندگی تمرین و تکرار مهارت نوشتن است . نوشتن داستان ، قصه ، تحقیق ونامه نگاری اگر به نحو صحیحی انجام شود می تواند تمرین مفیدی برای نویسندگی باشد.

می‌توانیم قدرت تصور خودرا با بازی بالغات ورزش دهیم .به عنوان مثال ، یافتن لغات مترادف، لغات متشابه ، کلمات متضاد ونثرمسجع همه وهمه تمرینی بسیار مؤثر برای نویسندگی است.

بخش چهارم: تأثیر مطالعه بر نوشتن خلاق

میرزا آقایی (۱۳۸۱) طی مقاله‌ای تحت عنوان درس انشاء دریچه‌ای به سوی خلاقیت ، مطالعه را لازمه‌ی نویسندگی می داند و می گوید : «نوشتن به دنبال خود ، مطالعه کردن را نیز به همراه دارد.کسی که ذخیره اطلاعات خوبی ندارد،نوشته های ارزشمندی نیز نخواهدداشت نوشته‌ها ، براحتی نقدمی شوند و هنگامی که تهی از دانسته‌های گرانبها باشند ، بخوبی بی‌محتوا بودن خود را آشکارمی کنند . پس انسان‌هایی که زیاد می‌نویسند ، مجبورند زیاد بخوانندوقتی جامعه زیاد مطالعه کرد ، بازار کتاب‌خوانی گسترش می‌یابد و به دنبال آن نویسندگی می تواند به یک شغل تبدیل شود ، یعنی انسان‌هایی پدید می آیند که برای جامعه فکرمی کنند ومی نویسند وقادرند از این طریق زندگی کنند واین خود سبب گسترش وارایه اندیشه‌های نو ارزشمند می‌شود و هنگامی که مطالب پرمحتوا در جلسه ارائه می‌شود ، اثرات آن رادر بهبود زندگی مردم به خوبی پدیدار می شود.

---

[1] - J.Conrad

[2] - A.J.Cronin

درکشورهای توسعه یافته،نویسندگان از جایگاه بالایی برخوردارند، زیراآنان هستندکه باکلمات ثبت شده خویش آدمیان را وادار به اندیشیدن می کنند و قادرند ذهن انسان‌ها را تا دورترین نقاط عالم تحت تأثیرقرارداده وآنان راوادار به تفکردرمورد موضوعی کنند که اصلاً به آن توجهی نمی‌کردند و از این راه نرم افزاری فکر مردم دیگر جوامع را طراحی می کنند . اصولاً تاریخ نشان می‌دهد که بسیاری از کتابهامسیر تاریخ راعوض کرده اندواین نشان از قدرت قلم دارد.»

مطالعه برای نوشتن همانند غذا است برای بدن ؛ آدمی بارفع گرسنگی زنده می‌ماند وباکار و کوشش ، خود و دیگران راسیر می کند.سیری ناپذیری انسان نه تنهادرکسب قوت روزانه بلکه درکسب دانش نیز هویدا است.اوهمواره می خواهدبداندوزنده بماند زنده ماندن بدون آگاهی بانیستی یکسان می‌داند . انسان برای تغذیه روح نیاز به مطالعه دارد تا به کمک آن بتواند نادیدنی‌هارابیند ناشنیده‌هارابشنود ، دیدش را وسعت ببخشد وبالاخره روحش را تسکین دهد و کنارآن آرام گیرد .

البته منظور از مطالعه همان مطالعه خلاق است . در جریان مطالعه خلاق خواننده از خود می‌پرسد : مؤلف چه می گوید؟ ازآنچه مؤلف می گوید درکجاوچگونه می‌توان استفاده کرد؟ آیا نویسنده ای دیگراین مطلب رابه نحو بهتری بیان کرده است؟ حسن وعیب نوشته درکجا است؟ و بالاخره چشم‌ها مطالب رامی بینند وذهن صحنه هارا مرور می‌کند.

مرورصحنه‌های داستان همراه باخواندن داستان می تواندرپویایی ذهن مؤثرباشد. «فرانسیس بیکن[1] فیلسوف ونویسنده انگلیسی قرن شانزدهم اظهار داشته است ، مطالعه انسان راکامل می کند . مطالعه قدرت تصور را تغذیه می کند لیکن برای آنکه ازمطالعه حداکثر استفاده راببریم ، باید مطالب مناسب برای مطالعه انتخاب کنیم ویک آزمایش برای آنکه چه مطالبی بخوانیم عبارت ازپرسش این سؤال است : آیا این مطلب تاچه حد تمرین خوبی برای مغز خلاق من فراهم خواهدساخت؟

[1] - Francis , Bacon

قدرت تصور ما با داستان‌های خیالی مناسب،ازنوع آثاردیکنز[1]، دوما[2] ، کنراد وکیپلینگ برانگیخته می‌شود . معذالک اغلب رمان‌های کم اهمیت ترچیزی جزسرگرمی های مطبوع بوجودنمی آورد.با این وجود داستان‌های اسرارآمیز امکان فراهم نمودن تمرینات خلاق مناسب رابهترفراهم می کند.

داستانهای کوتاه اساساًبه این علت کوتاه اند که مقدارزیادی ازمطالب رابه قدرت تصورخواننده واگذارمی کنند.

پربارترین نوع خواندن عبارت ازخواندن بیوگرافی است.زندگی هرکسی که ارزش انتشارداشته باشدممکن نیست که حاوی رکورد الهام بخشی ازایده‌های ابداعی نباشد»(اسبورن، ۱۹۶۶ ، صص۴۳ و۴۲) .

تورنس به افراد بزرگسالی که برای کودکان کتاب می خوانند توصیه می‌کند داستان را به گونه‌ای بخوانند که گویی داستان درحال وقوع است. می توان گفت مطالعه کتب داستان ، احوال دانشمندان ، نوشته‌های نیمه‌تمام،اشعاربزرگان ، خلاصه برداری و. . . همگی در نوشتن خلاق مؤثرند وامّا گفتهی پروفسور هیوزمیرنز[3] بدین طریق فرضیه ما راکامل می کند : «طرز صحیح خواندن سرشار از ویتامین است.»

بخش پنجم: نقش قصه گویی[4] در پرورش نوشتن خلاق

وزین‌پور(۱۳۷۱) معتقد است : «یکی از دلبستگی‌های آدمی که از دوران کودکی آغاز می‌شود و تا روزگار پیری در نهادش باقی می‌ماند ، شنیدن داستان و سرگذشت و ذوق قصه خوانی است . در کودکی با شنیدن افسانه‌های شیرین از سرزمین‌های دور و رویایی غرقه در لذّت می‌شویم . به هنگام جوانی از مطالعه‌ی انواع داستان‌های شورانگیز عشقی ، پهلوانی و وقایع پر حادثه‌ی دیگر به سرمستی می‌رسیم و از آن پس نیز هرگز از خواندن حکایت‌های گوناگون باز نمی‌ایستیم» (ص ۲۴۱) . سبب این توجه و شیفتگی چنان که تحقیق کرده‌اند علاقه‌ایست که انسان نسبت به سرنوشت قهرمانان داستان دارد . آدمی طبعاً در گذر از

---

[1] - Dickens

[2]- Duma

[3] - Hughes , Mearnes

[4] - to narrate

دریای پرتلاطم زندگی همیشه به همدم و همراه نیازمند است تا با او درد دل کند و درد دل او را بشنود و در این دوستی و اشتراک رازداری را شرط اول می‌داند . در شنیدن داستان‌ها و افسانه‌ها خود را جای قهرمان داستان می‌گذارد با او به کارزار و حماسه می‌رود ، حمله ور می‌شود ، دفاع می‌کند ، می‌خندد و می‌خنداند و بالاخره نقش فرد برتر داستان را به عهده می‌گیرد . در این مسئولیت پذیری و همراهی گاه وقایع داستان با زندگی واقعی او یا والدین تطبیق دارد گاه با آرزوهایش و بألاخره به نحوی از انحا با او و سرنوشت او و علایقش ارتباط دارد . در این ارتباط اگر شخصیت داستان را بزرگتر از خود بیابد تحت تأثیر شدید او قرار می‌گیرد . در غم او بنای گریستن می‌گذارد و در شادی او دوچندان دلشاد و خندان می‌شود .

قصه گویی و داستان‌پردازی از کانون گرم خانواده سرچشمه می گیرد ، در انجمن دوستان جاری می‌گردد و در محافل آموزشی به سیراب نمودن طالبان علم می‌پردازد . گاه نهال نورسته‌ای را حیات می‌بخشد ، گاه درختی را تناور و تنومند و گاه خود از حرکت می‌افتد و پویندگان تشنه لب را بر لب چشمه تنها می‌گذارد .

قصه‌گویی و قصه‌خوانی در دوران کودکی منبع اصلی شناخت محیط پیرامون است . «ما باید با ایجاد محرک‌های طبیعی مثل قصه‌گویی و قصه‌خوانی از آغاز دوره‌ی کودکی به بچه‌ها کمک کنیم تا نسبت به شناخت محیط پیرامون خود و با توجه به میزان توانایی‌شان به مفاهیم درک علمی دست یابند و با تمام جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی آشنا شوند . از بازی تا ورزش تا آشنایی با هنرهای موسیقی و ادبیات و اخلاق اجتماعی ، حتی پاره‌ای از مفاهیم علمی و تاریخ فرهنگ بشری» (کوه بنانی ، ۱۳۸۲) .

افلاطون در خصوص ارزش و اهمیت داستان و قصه در تربیت کودک می‌گوید:

باید پرستاران و مادران را وادار کنیم که فقط حکایاتی را که پذیرفته‌ایم ، برای کودکان نقل کنند و متوجه باشند که پرورش روح اطفال که به وسیله‌ی حکایات حاصل می‌شود به مراتب بیش از تربیتی است که جسم آنها به وسیله‌ی ورزش پیدا می‌کند (عطاران ، ۱۳۷۵ ، ص ۱۲۳) .

در قرآن کریم درباره‌ی مقام والای داستان از باب تأثیری که در ارشاد و تربیت و تغییر دادن مردم دارد چنین آمده است : «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الباب»

همانا در قصه گویی آنان برای خردمندان اندرزی نهفته است (سوره یوسف ، آیه ۱۱۱) .

به همین خاطر است که ده‌ها قصه و تمثیل زیبا ، جالب و مهیج در قرآن آمده است . داستان‌هایی واقعی که هدف آن تربیت صحیح انسان‌هاست . نویسندگان و ادیبان بسیاری را می‌شناسیم که مسایل حکمی ، علمی فلسفی خود را به زبان قصه و داستان بیان نموده‌اند .

نه تنها در ادبیات ایران ، بلکه در ادبیات همه‌ی ملت‌ها ،افسانه‌ها ،سرگذشت ها و داستان‌های بسیاری وجود دارد وکمتر جامعه‌ی متمدنی را می‌توان یافت که دارای حکایت‌های دلپذیر اجتماعی، پهلوانی ، عشقی ، دینی ، حماسی و همانند این‌ها نباشد . زیرا نقل سرگذشت ، از روزگاران کهن ، نه تنها سبب مسرت خاطر آدمی و عامل سرگرمی او بوده ، بلکه در مواردی وسیله‌ی آموزش محسوب می‌شده است . از برخی قصه‌های خوب و با ارزش می‌توان درس‌ها آموخت و دلیل وجود این همه حکایت در کتاب‌های آسمانی هم همین است که قصه نوعی تعلیم و تربیت غیر مستقیم است و نقش پند دهنده ندارد که موجب دلزدگی شود . زیرا انسان از اندرز و وعظ می گریزد و به ملامت نصیحت گران گوش فرا نمی‌دهد و از لحاظ روان‌شناسی تربیتی بهترین و مؤثرترین نوع آموزش و پروش این نیست که مردم را مستقیماً مورد خطاب قرار دهیم ، بلکه این است که نکته های تربیتی را در قالب مثل و افسانه بیان کنیم (وزین‌پور ، ۱۳۷۱ ، صص ۲۴۳ و ۲۴۲) .

قصه‌گویی و داستان پردازی علاوه بر نقش تربیتی تأثیر اجتماعی و روحی ـ روانی که بر گوینده و شنونده می‌گذارد به دلیل آموزش غیر مستقیم و آزادانه نقش عمده‌ای در خلاقیت دارد . «باید قصه‌گویی به عنوان یک روش آموزش غیر مستقیم و متناسب با دنیای کودکی و نوجوانی به صورت آزاد و داوطلبانه با روش‌هایی از پیش تعیین شده و کلیشه‌یی سلطه گرایانه بهره گرفت . خلاقیت در فضایی آزاد و به دور از هرگونه اعمال عقیده و اجبار به وجود می‌آید و آزادی در انتخاب موضوع و نوع قصه زمینه‌ی رشد خلاقیت را هم فراهم می‌سازد»(کوه‌بنانی ، ۱۳۸۲) .

به هر صورت قصه گویی در اغلب نقاط دنیا از ابزار اصلی آموزش و پرورش و کلید در دست مادران ، برای آرامش فرزندان است . گرچه کم کم این مهم مورد غفلت قرار گرفته است و مادران تربیت فرزندان را به عهده‌ی دیگران گذاشته و خود مشغول کسب درآمد کرده‌اند .

در این میان برخی از فلاسفه به مقابله با این نظریات پرداخته‌اند و داستان‌گویی برای کودکان مضر می‌دانند چنانکه کانت فیلسوف مشهور آمریکایی معتقد است :

کانت[1] در کتاب تعلیم و تربیت ترجمه‌ی شکوهی (۱۳۶۳) معتقد است : «داستان خواندن برای بچه ها بدترین چیزهاست ، چون فقط در زمان حال آنان را سرگرم می‌کند و در آینده نمی‌توانند از آن استفاده کنند . بنابراین هر نوع داستانی باید از «دسترس بچه‌ها دور نگه داشته شود . حین داستان خواندن ، گویی در درون خویش داستان ماجراجویانه‌ای درباره‌ی خودشان می‌بافند و اوضاع و احوال را از نو برای خودشان ترتیب می‌دهند» (صص ۵۰ و ۴۹) .

در این مجال قصد رد یا تأثیر سخنان این فیلسوف نیست امّا آنچه مسجل است همنوایی و همراهی کودک با توجه به درونیات خود با داستان است یا تعبیری دیگر آنگاه کودک در نقش مقلّد قهرمان داستان ظاهر می‌شود که او را تأیید کند در غیر این صورت به داستان گوش فرا می‌دهد اما قهرمان را رد یا تکفیر می‌کند . در این میان نقش قصه‌گو در انتخاب قصه اهمیت بالایی دارد . به اعتقاد سیمونویچ ویگوسکی که از مروجین نظریه محرک پاسخ درباره‌ی رفتار کودک است ، تجزیه و تحلیل پویایی ، ترکیب گفتار و رفتار کودک هم در تاریخچه‌ی رشد کودک نقش ویژه‌ای دارد و هم در تکوین آن منطق خاصی را طلب می‌کند . از نخستین روزهای رشد ،فعالیت‌های کودک در نظامی از رفتار اجتماعی معنای خاص خود را می‌یابند و چون دارای هدف می‌شوند ، با عبور از منشور محیط کودک منکسر شده و تجزیه می‌شوند . این مسیراز شئ به کودک و از کودک به شئ و فرد دیگری که می‌تواند ،مادر،مربی،آموزگار ، قصه گو و ... باشد ، عبور می‌کند»(کوه‌بنانی ، ۱۳۸۲) .

[1] - Kant

بخش ششم: تشویق عاملی کارساز در پرورش نوشتن خلاق

عوامل درونی و بیرونی زیادی می‌تواند بر پرورش خلاقیت و تداوم آن اثر گذار باشد. یک نوع عامل بیرونی مؤثر در خلاقیت عبارت از تشویق به وسیله‌ی دیگران است . این مطلب در آزمایشی توسط پرفسور امری ـ ال ـ کاون[1] استاد دانشگاه راچستر آمریکایی به اثبات رسید . در این آزمایش نیمی از دانشجویان تحت فشار انتقاد شدید قرار گرفتند و با نیمی دیگر رفتاری تشویق آمیز صورت گرفت . گروه تشویق شده در مورد انعطاف در خلاقیت واکنشی ۲۷درصد بهتر از گروه انتقاد شده از خود نشان داد . علت این افزایش انعطاف در خلاقیت به اثرات تشویق محقق که تنش را کاهش می‌دهد تشخیص داده شد (اسبورن ، ۱۹۶۶ ، ص ۳۰) .

با وجودی که توماس کارلایل نویسنده و تاریخ نویس معروف اسکاتلندی درست می‌گفت که قدری مخالفت برای هر کسی کمک بزرگی است . اما خلاقیت چنان گل لطیفی است که تحسین آن را به شکوفایی وامی دارد در حالی که مأیوس کردن ، غالباً آن را در غنچه می‌خشکاند . همه‌ی ما در صورتی که کوشش‌هایمان مورد تحسین قرار گیرند ایده های بیشتری و بهتری خلق می‌کنیم . رفتار غیر دوستانه می‌تواند ما را از کوشش بازدارد. شوخی تمسخرآمیز می تواند سمی باشد ،چنان که در لطیفه‌ی بالزاک[2] ابراز گردیده است ، پاریس شهری است که ایده های بزرگ در آن معدوم می گردند و مرگشان به وسیله‌ی بذله گویی فرا می‌رسد . هر ایده‌ای اگر با تحسین روبرو نشود باید حداقل از آن استقبال کرد . حتی اگر خوب نباشد لا اقل باید با تشویق به ادامه‌ی کوشش روبرو گردد (اسبورن ، ۱۹۶۶ ، ص۳۳) یک سوی این پرورش تشویق و ترغیب‌های مؤثر والدین و برادران ، خواهران، دوستان و معلمان است . یک طرف آن رفتار نابخردانه دوستان و دلسرد کردن والدین و تمسخر برادران و خواهران و بی توجهی معلمان است . «سرد کردن هایی که بیش از همه در تخریب خلاقیت مؤثر است آنهایی است که از طرف افرادی که به آنان علاقه‌مندیم سرچشمه می گیرد . در داخل خانواده تشویق با ارزش‌تر از هرچیز دیگری است والدین باید تعمق نموده ، دقیقاً نگریسته و قبل از ابراز کمترین ابراز سد کننده درباره‌ی کوشش های

---

[1] - Emery.L.Cowan

[2]- Balzak

خلاق کودک کمال دقت را در گوش دادن به آن به کار برند . تشویق کودک در خلاقیت به بهترین وجه کمک می کند که مستقیماً به وی اظهار گردد . لیکن حتی از این هم پرتوان‌تر است وقتی به دیگران ابراز شود و کودک آن را تصادفاً بشنود»(اسبورن ،۱۹۶۶ ، ص ۳۵) .

بخش هفتم: تأثیر اوقات فراغت بر نوشتن خلاق

برای سالم زیستن علاوه بر فراهم آوردن مقدمات لازم برای حفظ بدنی سالم ، باید مقدماتی را هم برای حفظ روانی سالم فراهم آوریم . نمی‌توان تنها به تأمین سلامت جسمانی بدون توجه به سلامت روانی اندیشید . برای یک زندگی سعادتمندانه ، سلامت جسمانی و سلامت روانی لازم و ملزوم یکدیگرند . برای تأمین بهداشت روانی فعالیت‌های متعددی را باید به انجام رساند از جمله فراهم آوردن شرایط لازم برای تخلیه‌ی برخی از فشارهای روانی که در دوره‌ی اشتغال به انسان وارد می‌شود و این شرایط در اوقات فراغت[1] می‌تواند تا حدی تأمین شود. اگر انسان در طول دوره‌ی اشتغال مجبور به تحمل شرایط و اشخاص باشد که برای او آزار دهنده هستند در دوره‌ی فراغت می‌تواند ناراحتی‌های حاصل از تحمل آنها را به اشکال گوناگون از جمله هم صحبتی با افراد مورد علاقه‌ی خویش تخلیه کند (احمدی ، ۱۳۷۹) .

رستمی(۱۳۸۰) در این باره چنین اظهار می دارد که اوقات فراغت همزمان با آغاز پیدایش انسان به وجود آمده است. کلیه ادیان الهی در خصوص اهمیت اوقات فراغت واستفاده صحیح از آن دستوراتی داده‌اند. بخصوص در دین مبین اسلام وکلام معصومین (ع) بیشترین تاکید براستفاده مطلوب وسالم از اوقات فراغت شده است. آنچه که در این میان اهمیت اوقات فراغت را از دیدگاه اسلامی دو چندان می کند نوع نگرشی است که دین اسلام نسبت به آن دارد . در تعالیم اسلامی اوقات فراغت بهترین فرصت برای رشد وتعالی وکسب کمالات است در صورتی که در نظام سرمایه داری غرب این فرصت برای استفاده سطحی و زود گذرهمراه با انگیزه مادی و اقتصادی در نظر گرفته می شود (ص۲۴۵) .

البته پذیرش اینکه برنامه‌ریزی فعالیتهای اوقات فراغت در غرب فقط جنبه مادی و اقتصادی دارد ، جای تأمل دارد امّا آیا نمی توان گفت تأمین نیازهای مادی در هموار سازی

[1] - leisurtime

سلامت روانی مؤثر است؟ یکی از شرایط لازم برای پدیدار شدن افکار نو،وجود آرامش برای مغز است . مغز آدمی با کار به راه می افتد ،مهارت کسب می کند ،زبده می‌شود وبالاخره با کار مفرط از کار می‌ایستد و رنگ رخوت به خود می گیرد .کار غبار روبی ازمغز خسته را ،آرامش حاصل از اوقات فراغت به عهده دارد. این محصول اسرار آمیز در درون آدمی می تواند با قلاب خویش به جست وجوی افکار نو پرداخته وبه سوی خلاقیت حرکت کند. انسان ها در یک محیط به دور از اضطراب و تنش ، فرصت لازم را می‌یابند که بهتر فکر کنند و بر عکس ،در یک محیط پرتنش که ابرهای نگرانی وبدبینی حضور دارند ، مغز ، تمامی انرژی خویش را برای حفظ و موجودیت صاحب خود به کار می برد و دیگر مجالی برای اندیشیدن نخواهد داشت به همین خاطر لازم است انسان ها بکوشند در جامعه شرایطی پدید آید که در بستر آن مغز بیندیشد و تکامل یابد و سبب ساز افکار نو شده و شرایط برای سازندگی در جامعه مهیا شود (میرزا آقایی، ۱۳۸۲)

نتیجه گیری و پیشنهادات نویسنده

با توجه یافته‌های حاصل از مقاله موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد :

ـ از نویسندگان در کلاس‌های درس انشاء دعوت به عمل آورند تا شور و شوق نوشتن در دانش‌آموزان را پدید آورند .

ـ از معلمان علاقه‌مند و با سابقه‌ی ادبیات و یا معلمان نویسنده برای درس انشاء استفاده گردد.

ـ رسانه‌های جمعی ، به خصوص تلویزیون بیشترین نقش را در چگونگی پرورش تخیل و شکوفایی خلاقیت دارد . این رسانه‌ی ملی می‌تواند با شناسایی نویسندگان خلاق و معرفی آنان انگیزه دیگران را برای نوشتن تحریک کند .

ـ به دانش‌آموزان فرصت داده شود تا در جلسات انجمن‌های ادبی، داستان نویسی و نقد و بررسی شرکت نموده و به پرورش خلاقیت نوشتاری خود توسعه بخشند .

ـ استفاده از جلسات بارش مغزی به عنوان یک تکنیک در جهت ایجاد انگیزه برای رشد توانایی‌های ذهنی بسیار پرارزش است در راستای این تکنیک پیشنهاد می‌شود :

الف) از هرگونه انتقاد پرهیز شود .

ب) نوشتن مطلب به صورت داوطلبانه و آزادانه بدون هرگونه حد و حصر .

ج) مقدار نوشته و اظهار نظرها هرچه بیشتر باشد ، بهتر است .

د) از بیان ایده‌های عجیب و غریب استقبال شود .

و) تشویق نوشته‌های غیر معمول و عجیب و غریب

نقش اساسی قصه گویی و داستان پردازی معلمین ، والدین ، دوستان و ... برای فراگیران با توجه به یافته‌ها، غیر قابل انکار است . بنابراین قصه‌گویی و داستان پردازی باید جزیی از آموزش باشد ؛ در این راستا باید :

ـ کیفیت محتوای قصه ها و مطالب آموزشی موجود برای کودکان و نوجوانان بالا برده شود.

ـ کودکان و نوجوانان به کسب علم و دانش اخلاق اجتماعی از طریق قصه‌خوانی تشویق و ترغیب شوند .

ـ حس زیبایی شناسی به وسیله هنر قصه‌گویی تقویت شود .

ـ مفاهیم علمی و انتقال تجربه‌های با ارزش زندگی اجتماعی به وسیله کم هزینه‌ترین ، ساده‌ترین و در دسترس‌ترین روش آموزش ، یعنی هنر قصه‌گویی صورت پذیرد .

ـ خلق یک داستان یا قافیه‌های شعری به کمک کودکان می‌تواند در خلق نویسندگی و پرورش خلاقیت، مؤثر واقع شود .

ـ معلمان می‌توانند از دانش‌آموزان بخواهند به صورت نیم‌دایره بنشینند و خود با یک جمله داستان را آغاز کنند . سپس از آن بخواهند هرکدام به اختیار قسمتی از داستان را بیان کنند .

ـ استفاده از تکنیک قصه گویی و قصه‌خوانی : استفاده از این تکنیک علاوه بر لذت و سرگرمی برای دانش‌آموزان و فرزندان ، قدرت ذهن و رشد کلامی آنها را تقویت می‌کند .

ـ استفاده از تکنیک کار هنری : باید به فرزندان اجازه داد تا حواس خود را با پرداختن به یک کار هنری ، به کار برده و تقویت کنند و به این وسیله با دنیای واقعی زندگی خویش آشنا شوند و اعتماد به نفس و خودباوری‌شان را تقویت نمایند .

از دیگر ضروریات پرورش خلاقیت نوشتاری :

ـ توجه به بازی و سرگرمی کودکان و رعایت موارد ذیل :

الف) انتخاب بازی توسط کودکان به صورت آزادانه .

ب) حتی‌الامکان از بازی و سرگرمی کودکان کاسته نشود .

ج) والدین سعی کنند با استفاده از کتاب‌های بازی آموزشی در خانه فرزندان را به سوی این بازی‌ها سوق دهند. در این راستا باید سعی شود از اجبار در انجام بازی خودداری گردد.

د) استفاده از بازی‌های نمایشی .

و) کودکان از طریق به وجودآوردن چیزی ، عقاید و احساساتشان را اظهار می‌کنند پس ، از انجام خمیربازی ، گل بازی و ... کودکان نباید جلوگیری کرد .

ـ مطالعه کتاب‌های گوناگون در زمینه‌های سیاسی ، اجتماعی ، ادبی و ... از فعالیت‌هایی است که می‌تواند اوقات فراغت دانش‌آموزان را پربار کند . پس باید در تشویق دانش‌آموزان و انجام اینگونه مطالعه‌ها کوشا بود .

موارد زیر در جهت انجام بهتر پژوهش‌های بعدی پیشنهاد می‌گردد :

ـ شناسایی روشهای مؤثر بر افزایش مهارت نوشتن خلاق دانش‌آموزان مقطع متوسطه؛

ـ شناسایی روشهای مؤثر بر افزایش مهارت نوشتن خلاق دانش‌آموزان مقطع راهنمایی ؛

ـ شناسایی روشهای مؤثر بر افزایش تفکر خلاق دانش‌آموزان مقطع متوسطه ؛

ـ شناسایی روشهای مؤثر بر افزایش تفکر خلاق دانش‌آموزان مقطع راهنمایی ؛

ـ بررسی میزان تأثیر محیط خانواده بر نوشتن خلاق ؛

ـ مطالعه میزان تأثیر سن ، تحصیلات والدین بر نوشتن خلاق فرزندان ؛

منابع و مآخذ

ـ آزادی ، محمد . (۱۳۷۶) . توصیف گذراندن اوقات فراغت دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه نظام جدید شهر کرمانشاه با تأکید بر تربیت بدنی و ورزش . شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان تهران .

ـ آقایی فیشانی ، تیمور . (۱۳۷۷) . خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها . تهران : انتشارات ترمه .

ـ آمابلی ، ترزا .(۱۳۸۱) . شکوفایی خلاقیت کودکان و بزرگسالان (ترجمه حسن قاسم زاده ، پروین عظیمی). تهران : دنیای نو (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۹).

ـ احمدی ، عبادالله . (۱۳۷۵) . نیاز سنجی اوقات فراغت دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اراک . پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده ، دانشگاه علامه طباطبایی .

ـ احمدی ، علی اصغر . (تابستان ۱۳۷۹) . نقش اولیا در گذراندن اوقات فراغت . ماهنامه پیوند. تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان .

ـ ادیب ، یوسف . (۱۳۷۶) . بررسی زمینه های خلاقیت در پرسش‌ها و تکالیف کتب درسی جامعه شناسی (۱) ، جامعه شناسی (۲) ، روانشناسی ، دانش اجتماعی و آشنایی با برنامه ریزی تحصیلی ، شغلی نظام جدید آموزش متوسطه . شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش آذربایجان شرقی .

ـ اسبورن ، الکس اس . (۱۳۸۲) . پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت (ترجمه حسن قاسم زاده) . تهران : انتشارات نیلوفر (تاریخ انتشار به زبان اصلی ، ۱۹۶۶) .

ـ استانیش ، باب و ابرلی ، باب . (۱۳۸۴) . خلاقیت کاربردی نوجوانان و بزرگسالان (ترجمه حسن قاسم زاده) . تهران: نشر دنیای نو .

ـ اسعدی ، مژگان‌السادات . (۱۳۷۳) . بررسی رابطه میزان روشهای گوناگون تشویق و تنبیه خانواده با پیشرفت تحصیلی فرزندان میبدی . شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان یزد .

ـ امیر حسینی ، خسرو . (۱۳۸۴) . خلاقیت و نوآوری (مبانی ، اصول ، تکنیکها) . تهران : انتشارات عارف کامل .

ـ امینی ، سودابه . (۱۳۸۳). چگونه ترس از نوشتن در کودکان از میان می‌رود؟ رشد معلم ۳، دوره ۲۳ .

ـ انجمن علمی آموزشی مدرسین تهران . (۱۳۸۳، ۴ بهمن) . کودک و بازی .

ـ برات،نگین . (۱۳۸۲، ۲۹ مهر).خلاقیت و یادگیری در کودکان . همشهری ، صفحه ۱۹.

ـ بهروزی ، ناصر . (۱۳۷۵) . بررسی رابطه بین ویژگیهای شخصیتی با خلاقیت و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجو معلمان مرد . پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده ، دانشگاه شهید چمران .

ـ بیوکی ، زهرا(۱۳۷۶) . هنجار یابی آزمون تفکر خلاق تورنس برای دانش‌آموزان سالهای اول تا سوم دوره راهنمایی . پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده ، دانشگاه تربیت معلم .

ـ پوریان ، انور . (۱۳۷۳) . بررسی انگیزه و علایق ـ یادگیری ، ادامه تحصیل ، انتخاب شغل ـ دانش‌آموزان دوره متوسطه . اداره کل آموزش و پرورش استان ایلام .

ـ پیر خایفی ، علیرضا .(۱۳۷۶، ۴ شهریور) . آیا خلاقیت را می‌توان آموزش داد؟ همشهری .

ـ جاویدی کلاته جعفر آبادی ،طاهره . (۱۳۷۳) . بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت کودکان . پایان نامه کارشناسی ارشد (ارائه شده به پایگاه علمی مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران). دانشگاه تربیت مدرس .

ـ چیرانی ، ابراهیم و مصطفی زاده ،حسین .(۱۳۷۵) . بررسی نظرات مدیران و معلمان مدرسه‌ها در مورد تفکر خلاق دانش‌آموزان مقطع ابتدایی . آموزش و پرورش استان گیلان .

ـ دادستان ، پریرخ و دانش پژوه ، زهرا . (۱۳۷۶) . روش‌های تشویق و تنبیه در مدارس راهنمایی از دیدگاه معلمان و دانش‌آموزان وزارت آموزش و پرورش .

ـ دانش پژوه ، زهرا . (۱۳۷۴) . تشویق و تنبیه از دیدگاه متخصصان و نظزیه پردازان تعلیم و تربیت . شورای تحقیقات اداره‌ی کل آموزش و پرورش تهران .

ـ دائمی ، حمیدرضا . (۱۳۷۶) . هنجاریابی آزمون خلاقیت عابدی در مدارس متوسطهٔ شهر تهران . پایانامهٔ کارشناسی ارشد . تربیت معلم تهران .

ـ دشت‌بزرگی ، زهرا . (۱۳۸۱) . مقایسه‌ی روش‌های آموزش خلاقیت مبتنی بر کارکردهای نیم کره‌ی راست و هر دو نیم‌کره‌ی مغز . پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه الزهراء .

ـ رخ بخش زمین ، محمود . (۱۳۷۶) . رابطه‌ی کار ضمن تحصیل با پیشرفت تحصیلی و خلاقیت دانش‌آموزان سال سوم متوسطه . شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان فارس .

ـ رستمی ، محمدعلی . (۱۳۷۹) . اصول برنامه‌ریزی اوقات فراغت . تهران : انتشارات گویه.

ـ رشیدی ، احمد . (۱۳۷۴) . بررسی نگرش دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی در مورد انواع تشویق و تنبیه . شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مازندران .

ـ رضائیان ، علی . (۱۳۷۴) . اصول مدیریت . تهران : سمت .

ـ رضایی ، حسین . (پاییز ۱۳۸۰) . تقویت انگیزه‌ی کارکنان راهبردی مناسب برای شرکت فعال‌تر در کلاس‌های کوتاه مدت ضمن خدمت .

ـ لند ، جورج و جارمن ، بت . (۱۳۷۹) . آینده‌ی خلاقیت و خلاقیت آینده (ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده) تهران : انتشارات ناهید . (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۳۳) .

ـ مردانی نوکنده ، محمدحسین . (۱۳۸۳) . روش‌های کاربردی پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، ماهنامه‌ی تربیت ، سالم بیستم ، شماره‌ی ۲ ، آبان ۸۳ .

ـ مشکبید حقیقی ، محسن . (۱۳۷۶) . بررسی ویژگی‌های دانش‌آموزان ممتاز و خلاق وراه‌های پرورش خلاقیت در آنان . شورای تحقیقات اداره‌ی کل آموزش و پرورش استان گیلان.

ـ مطهری ، ابوالفضل . (۱۳۷۴) . بررسی میزان و نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت دانش‌اموزان دبیرستانی قم . پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد چاپ نشده ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم .

ـ مهرگان ، فرانک و پورصلامی ، بدیعه . (۱۳۷۳) . بررسی تأثیر گذارندن و نگذراندن دوره‌ی پیش دبستانی ، ویژگی‌های فردی ، خانوادگی و آموزش دانش‌آموزان بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان سال اول ابتدایی شهرستان اندیمشک . اداره آموزش و پرورش استان خورستان .